

In the name of God

Factors of sardar Soleimani's popularity among the youth of Iran and The world

Abstract

In today's society, where the Western way of life has infiltrated the life of the Eastern people and is popular among the youth, and the attention to Islam and its teachings has diminished among some, the popularity of people with a religious face is hard and beautiful at the same time. It is memorable; Sardar Soleimani acted in a way that became popular in the hearts of all people, especially the youth of Iran and the world. The questions that this article has answered, what factors caused Martyr Soleimani to become the leader of hearts and achieve such popularity and the youth of today to admire him in this way? How did some Westerners, who are not even Muslims, fall in love with Martyr Soleimani? The present study, with a descriptive-analytical method and using books and websites, has examined the factors that have caused Sardar Soleimani's popularity among the general public, so that others, by setting him as a model and standard, can achieve perfection and happiness in all Explore areas of life. This study introduces the success factors of Sardar Soleimani as sincerity, piety, humility, following the Islamic school, serving the people and defending the oppressed and enmity with the oppressor, and also emphasizes that Sardar Soleimani does all his deeds with the intention of Reza and They did the pleasure of God and did not seek worldly positions, praises and praises in any way, and they were people of action and service to the people.

Keywords: Sardar Soleimani, popularity, school, sincerity

باسمه تعالی

عوامل محبوبیت سردار سلیمانی در بین جوانان ایران و جهان

چکیده

در جامعهٔ امروزی که سبک زندگی غربی به زندگی مردم شرقی نفوذ کرده و در بین جوانان طرفدار دارد و توجه نسبت به اسلام و آموزه‌هایش در بین برخی کم‌رنگ شده است محبوب شدن افرادی که وجههٔ مذهبی دارند، کاری سخت و در عین حال زیبا و به یادماندنی است؛ سردار سلیمانی به گونه‌های عمل کرد که محبوب دل‌های همهٔ مردم به خصوص جوانان ایران و جهان شد. سؤالاتی که این مقاله بدان پاسخ داده است، اینکه چه عواملی سبب شد که شهید سلیمانی تبدیل به سردار دل‌ها شود و به چنین محبوبیتی دست پیدا کند و جوانان امروزی این چنین او را تحسین کنند؟ اینکه برخی از غریبه‌ها که بلکه مسلمان هم نیستند، چگونه مجذوب شهید سلیمانی شدند؟ پژوهش حاضر با روش توصیفی تحلیلی و با استفاده از کتابها و سایتها به بررسی عواملی که سبب محبوبیت سردار سلیمانی در میان عموم مردم شده است، پرداخته است تا دیگران با الگو و معیار قرار دادن ایشان مراتب کمال و سعادت را در تمام عرصه‌های زندگی پیمایند. این پژوهش عوامل موفقیت سردار سلیمانی را اخلاص، تقوا، تواضع، پیرو مکتب اسلامی، خدمت به مردم و دفاع از مظلوم و دشمنی با ظالم معرفی میکند، و همچنین تأکید میشود که سردار سلیمانی تمام اعمال خود را به نیت رضا و خشنودی خداوند انجام میداد و به هیچ عنوان به دنبال پست و مقام و تعریف و تمجید دنیوی نبوده و اهل عمل و خدمت به مردم بوده‌اند.

واژگان کلیدی: سردار سلیمانی، محبوبیت، مکتب، اخلاص

مقدمه

"سردار حاج قاسم سلیمانی، یک مکتب است"؛ در این رابطه باید گفت که ایشان خود به تنهایی یک مکتب جدیدی نبوده است بلکه شهید سلیمانی مصداق بارز و پیرو حقیقی مکتب اسلام در عصر حاضر است. ایشان با سرمشق قرار دادن و عمل کردن به آرمانها و هدفها و اعمال پیامبر اکرم(ص) تبدیل به یک قهرمان و اسطوره قرن جدید شدند. اعمال و رفتار و گفتار سردار سلیمانی به قدری در بین عموم مردم، به خصوص جوانان این کشور و حتی در کل جهان نفوذ پیدا کرده بود؛ که پس از شهادتشان شاهد حضور بیسابقه مردم در خیابانها بودیم. پیر و جوان و حتی نوجوانان از صمیم قلب برای از دست دادنش غمگین بودند و اشک میریختند. حتی مردم آمریکا به نشانه اعتراض به دولت مردانشان به خیابانها آمدند و عمل زشت و قبیح آنان را مورد مذمت قرار دادند و سردار سلیمانی را قهرمان نامیدند.

تبدیل شدن به چنین اسطوره‌های جهانی که طرفداران زیادی نه تنها در داخل کشور بلکه در کشورهای دیگر دارد، آن هم در عصر جدید که سلیقه‌ها و اعتقادات مختلفی وجود دارد، کار بسیار مشکلی است. به راستی سردار سلیمانی که بود و چه کرد که این چنین در دل مردم نفوذ پیدا کرد؟ ایشان میتواند به عنوان بهترین الگو و معیار در عصر حاضر (که معتقد به مکتب اسلام بوده و همواره به دستورات آن عمل میکرده)، برای انسانها باشد؛ بنابراین شناخت سیره و روش ایشان برای ورود به قلب دیگران و همچنین جذب آنها به دین اسلام و مذهب شیعه ضرورت دارد؛ چرا که ایشان بدون اینکه ادعایی داشته باشد با عمل خود دستورات دین اسلام ناب محمدی را برای جهانیان به تصویر کشید و تبدیل به قهرمانی دوست داشتنی شد. سؤالی که در این رابطه به وجود می‌آید اعم از: 1. چه عواملی سبب شد که شهید سلیمانی تبدیل به سردار دلها شود و به چنین محبوبیتی در بین مردم دست پیدا کند و جوانان امروزی اینچنین او را تحسین کنند؟ 2. محبوبیت شهید سلیمانی در دیگر کشورها چگونه است؟ پژوهش حاضر سعی دارد تا به پاسخ این سؤالات بپردازد.

در رابطه با عنوان این پژوهش کار جدیای به صورت مقاله و یا کتاب و پایاننامه تدوین نشده است؛ بلکه مطالبی در این رابطه در خلال بخشهایی از کتابهای مربوط به حاج قاسم و یا در سایتهای مختلف موجود است که برای تدوین این پژوهش از آنان استفاده شد. در ضمن پژوهش حاضر بر روش توصیفی - تحلیلی استوار است که از کتب و سایتهای استفاده کرده است.

2. بحث

این مقاله به منظور بررسی عوامل محبوبیت سردار سلیمانی در بین جوانان ایران و جهان، در پنج قسمت تنظیم شده است: زندگینامه شهید سلیمانی؛ واژهشناسی محبوبیت و معروفیت؛ عوامل محبوبیت سردار در داخل؛ عوامل محبوبیت در بیرون از مرزها.

2-1. زندگینامه حاج قاسم سلیمانی

سردار حاج قاسم سلیمانی متولد 20 اسفند سال 1335 در یکی از روستاهای استان کرمان است. ایشان در نوجوانی مشغول کار بنایی شده بود و سپس در ۱۸ سالگی به عنوان پیمانکار در اداره آب کرمان مشغول به کار شد. شهید سلیمانی پس از انقلاب به عضویت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی درآمد. وی در دوران جنگ ایران و عراق فرمانده لشکر ۴۱ ثارالله و از فرماندهان عملیاتهای والفجر هشت، کربلای چهار و کربلای پنج بود.

شهید قاسم سلیمانی در سال ۱۳۷۹ از سوی رهبری معظم انقلاب، به فرماندهی سپاه قدس منصوب شد. پس از ظهور داعش در عراق و سوریه، سردار سلیمانی به عنوان فرمانده سپاه قدس با حضور در این مناطق و سازماندهی نیروهای مردمی، به مبارزه با این گروه پرداخت. وی در سال ۱۳۸۹، موفق به اخذ درجه سرلشکری شد. سردار سلیمانی بامداد جمعه ۱۳ دی ۱۳۹۸ توسط شقیترین مردم، "دونالد ترامپ" تروریست قرن حاضر، ترور شدند و به شهادت رسید.

2-2. واژهشناسی

دو واژه محبوبیت و معروفیت ممکن است مترادف به نظر برسد و برخی این دو واژه را به جای هم به کار ببرند ولی آیا این دو واژه واقعاً مترادفاند؟ و به کارگیری این دو به جا هم اشکالی ندارد؟ برای پاسخ به

این پرسش میبایست ابتدا معنای هر واژه را بررسی کرد. واژه محبویت از ریشه الجبّ به معنای دوستدار و محبوب و به شدت دوست داشتنی است. (فراهیدی، 1409ق، ج3، ص31؛ ابندرید، 1988م، ج1، ص64؛ راغباصفهانى، 1412ه.ق، ج1، ص214؛ بستانى، 1375ش، ص316؛ مهنا، 1413ق، ج1، ص221) واژه معروف از ریشه عرف به معنای شناختن، شناخته شده، (فراهیدی، 1409ق، ج2، ص121؛ ابن درید، 1988م، ج2، ص766؛ بستانى، 1375ش، ص93؛ قرشى، 1371ش، ج4، ص326) و به تعبیر راغب: معروف هر کاری که با عقل و شریعت نیکو شناخته شده باشد، نامیده میشود. (راغب- اصفهانى، 1412ه.ق، ج1، ص561) همانطور که گفته شد محبویت از دوست داشتن، و معروفیت از شناخته شدن آمده است؛ بنابراین نمی-توان این دو را مترادف هم دانست.

برخی گمان میکنند هر کس که معروف است، محبوب نیز است در صورتیکه این یک باور و اندیشه غلط است؛ چرا که ممکن است شخصی به علت افعال و گفتار و رفتار ناپسندش به شهرت رسیده باشد اما در نظر مردم زشت و ناخرد باشد. امروزه به علت پیشرفت تکنولوژی و ابزار رسانه و فضای مجازی، معروف شدن کار سختی نیست؛ بنابراین علاوه بر سلبریتیها و افراد مهم دولتی، مردم عادی نیز میتوانند توسط بلاگر شدن، کمدین شدن و یا کارهای دیگر به شهرت برسند و در فضای مجازی دنبال کنندههای زیادی داشته باشند اما آیا همه این افراد معروف، محبوب هستند؟ قطعاً پاسخ منفی است چرا که بعد پرسش این سؤال، هر کسی در ذهنش افراد معروفی تداعی میشود که نه تنها محبوب نیستند بلکه از نظرشان منفور نیز هستند.

هر شخصی برای رسیدن به محبویت میبایست یک سری ویژگیهای مثبت را در خود تقویت کند و همچنین از اعمال و گفتار خود مراقبت نماید. مانند: قهرمانان، پهلوانان، خیرین نیکوکار و بسیاری از افراد دیگر که محبویت لازم را دارند اما تعدادی از آنان گمناماند و شهرت آنچنانی ندارند؛ بنابراین میتوان گفت که هر کسی که معروف است، لزوماً محبوب نیست و هر کس که محبوب است، لزوماً معروف نیست.

حالت سومی هم دارد، این که ممکن است کسی هم معروف باشد و هم محبوب.

در جامعه کنونی که اعتقادات و سلیقهها و نوع تفکر انسانها با هم متفاوت است و مردم سختپسند شدهاند، به خصوص جوانان که مورد هجوم سبک زندگی غرب هستند، پیدا کردن شخصی که هم معروف باشد و هم محبوب کمی دشوار است؛ اما سردار سلیمانی با خدماتی که ارائه دادند و با روحیه و اخلاق و ویژگیهای پسندیده‌ای که داشتند، نه تنها در بین مردم کشور خود، بلکه در جهان هم، به محبوبیت و معروفیت رسیدند. سند این گفتار را میتوان بعد از شهادتشان مشاهده کرد که خیل عظیمی از مردم در راهپیمایی و تشییع جنازهشان شرکت کردند و از صمیم قلب اندوهگین بودند. مسلماً رسیدن به چنین درجهای کار هر کسی نیست. همانطور که دیده میشود، افراد معروف زیادی در برخی عرصههای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و... را که با وجود پرمدعا بودنشان، پس از اینکه از دنیا رفتند، تعداد کمی از نبودشان متأسف بودند و از محبوبیت آنچنانی برخوردار نبودند. بنابراین سؤال میشود که سردار سلیمانی چه کرد که به چنین محبوبیت و معروفیت جهانی دست پیدا کرد؟

3-2. عوامل محبوبیت سردار سلیمانی

در این بخش، به مواردی که سردار سلیمانی در زندگی خود رعایت میکردند و به آن ایمان داشتند و اصول و معیار زندگی ایشان بود، پرداخته میشود؛ که در واقع همین موارد و عوامل سبب محبوبیت و معروفیت ایشان در بین مردم به خصوص جوانان شد:

3-2-1. اخلاص

اخلاص یکی از ویژگیهای پسندیده‌ای است که هر انسانی با دارا بودن این خصلت مراتب بالای بندگی را طی کرده است. واژه اخلاص، مصدر باب افعال از ریشه خلوص و خلاص به معنای پاک شدن و سالم گشتن از آمیختگی و خالص کردن، پاک گردانیدن و برگزیدن است. (ابن-منظور، 1414ق، ج3، ص173، طریحی، 1375ش، ج4، ص168-169) و مقصود از آن در فرهنگ اسلامی، پاک کردن نیت از غیر خدا و انجام دادن عمل برای خدا است. (عجم، 1999م، ص26) در واقع دو

آیه لا اله الا الله و قل هو الله الاحد مصداق کلمه اخلاص هستند. اخلاص در اسلام از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است چنان که خداوند اخلاص را راز خود دانسته است که در قلب بنده مومن قرار می‌دهد. (نوری، 1408ق، ج1، ص101)

امام علی (ع) سرآغاز اخلاص را چشم امید برکندن از مردمان می‌دانست. (تمیمی‌امدی، 1410ق، ص211) در واقع برای اینکه انسان در عمل خود برای خداوند اخلاص داشته باشد، باید اولاً نیت او خالص باشد و تنها جهت رضایت خداوند باشد. ثانیاً عملش را با هدف گرفتن پست و مقام یا برای ریا و خودنمایی انجام ندهد و ثالثاً پس از اینکه عملی را انجام داد، مراقبت کند تا دچار کبر و خود بزرگ بینی نشود و همچنان نیتش را تغییر ندهد تا نیت خالصانه او ضایع شود. همچنین نشانهای اخلاص را امید داشتن، بر خدا توکل کردن، عدم دلبستگی به دنیا و خواهشهای نفسانی و ... نام برد. پیامبر اکرم (ص) در مدح مخلصان فرمودند: «خوشا مخلصان؛ آنان چراغهای هدایتند که هر فتنه تیره‌ای از سوی آنها زوده می‌شود.» (پاینده، 1382ش، ص557)

شهید سلیمانی با اخلاص عمل و ولایت محوری و اعتقادات عمیق خود به دیگران درس بندگی میداد. چنانچه ولیّ فقیه مسلمانان "امام خامنه‌ای مد ظله" پس از شهادت سردار سلیمانی در 18 دی ماه 1398 در مدح ایشان میفرمایند: «شهید سلیمانی، هم شجاع بود، هم با تدبیر بود... سخنش اثرگذار بود؛ قانع کننده بود؛ از همه آنها بالاتر، اخلاص او بود. با اخلاص بود. این ابزار شجاعت و ابزار تدبیر را برای خدا خرج میکرد؛ اهل تظاهر و ریا و مانند آنها نبود.» همچنین دخترشان، خانم زینب سلیمانی درباره پدرشان میگوید: «روزی که بابا مدال ذوالفقار را از حضرت آقا گرفتند، به ایشان تبریک گفتم. گفتند اینها همه دنیوی است! دعا کن یک روز مدال اخروییام را از خدا بگیرم.» این بیان از دخترشان نشان می‌دهد که سردار سلیمانی چقدر پایبند به آموزه‌های معلم انقلابشان "امام خمینی(ره)" هستند؛ زیرا که ایشان در سخنرانی 21 خرداد 1359 فرموده‌اند: «انبیا برای ثروت و قدرت و دنیا و رسیدن به دنیا و رسیدن به حکومت ابداً یک قدم برنداشتند... مسندها در نظر انبیا پوچ است، و قدرتها همه پوچ» چنین معلمی، شاگردانی

چون سردار سلیمانی تقدیم کشور میکنند که با دارا بودن تمام فضائل اخلاقی، از چنین محبوبیتی در بین مردم جهان، به خصوص جوانان برخوردار میشود. زیرا مردم اعم از پیر و جوان و نوجوان، چه ایرانی و غیرایرانی، ملاک ارزیابی و سنجیدن دیگران را بر اساس عمل او، و نه حرف او در نظر میگیرند؛ چه بسیار افرادی را که صرف ادعا بودند و تنها شعار میدادند و ظاهر موجهای نیز داشتند، اما در عمل آنطور که باید عمل نکردند و به قولهایشان وفا ننمودند و مردم نیز شاهد عملکردشان بودند و چنین افرادی در نظرشان نه تنها از محبوبیتی برخوردار نبودند بلکه منفور نیز بودند؛ اما داستان سردار سلیمانی فرق میکند. ایشان بیشتر از آنکه قولی دهد، عمل میکرد. پای ثابت میدان بود و برای امنیت و آرامش مردم تلاش مینمود و کاری به تعریف و تمجید مردم نداشت و تنها رضایت و خشنودی خداوند برای او ملاک بود و با اخلاص کامل در عرصههای مختلف حاضر میشد. چنین ویژگی سبب محبوبیت و معروفیت ایشان در بین مردم به خصوص جوانان شد.

2-3-2. تقوا

واژه تقوا از ریشه "وقی" به معنای حفظ کردن، در امان ماندن و پرهیز کردن، است. (فراهیدی، 1409ق، ج 5، ص 238؛ ازهری، 1421ق، ج 9، ص 278؛ قرشی، 1371ش، ج 7، ص 226؛ بسطانی، 1375ش، ص 992) که در یک کلام میتوان به پرهیزکاری ترجمه کرد. برای داشتن تقوا در زندگی میبایست پس از ایمان به خداوند، از قهر و عذاب و نارضایتی خداوند ترسید؛ در واقع به مقام خشیت الهی رسید و از دستورات خداوند اطاعت کرد و از زشتیها و گناهان دوری گزید. چرا که در آیه 13 سوره حجرات آمده است که: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقَاتُكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ»¹؛ طبق این آیه هر کسی که به خدا ایمان آورد و قصد تقرب به ایشان را دارد، لازم است در زندگی تقوا پیشه کند و پرهیزکار باشد.

تقوا یکی از مهمترین خصلتهای نیکویی است که در اسلام به آن تأکید شده است. چنانچه امام علی(ع) نیز در نهجالبلاغه تقوا را در رأس اخلاق نیکو معرفی میکند. (نهجالبلاغه، حکمت 410) همچنین

¹. گرامترین شما نزد خداوند باتقواترین شماست همانا خداوند متعال دانا و خبیر است.

علامه طباطبایی ذیل آیه 19 سوره مائده، تقوا را شرط تفکر صواب دانسته و معتقد است که توفیق انسان در کسب معارف حقیقی و علوم نافع در گرو اصلاح اخلاق و کسب فضایل انسانی، یعنی همان تقواست. (طباطبایی، 1390ق، ج 5، ص 270-269)

شهید سلیمانی را میتوان نمونه و مصداق بارز یک انسان باتقوا و با ایمان جهان معاصر دانست و ایشان را به عنوان الگویی منحصر به فرد به جهان معرفی کرد. رهبر انقلاب اسلامی، میفرماید: «حاج قاسم، مسائل شرعی را در اوج درگیریها و میدانهای جنگ رعایت میکرد.» نمونه‌اش در دوران جنگ با داعش بود که سردار سلیمانی نامه‌ای به یک سوری مینویسد و در آن نامه می‌آورد: «من، برادر کوچک شما، قاسم سلیمانی هستم، حتماً مرا میشناسید، ما به اهل سنت در همه جا خدمات زیادی انجام داده‌ایم، من شیعه هستم و شما سنی هستید... از قرآن کریم و صحیح بخاری و دیگر کتب موجود در خانه شما متوجه شدم که شما انسانهای با ایمانی هستید، اولاً از شما عذر میخواهم و امیدوارم عذر مرا بپذیرید که خانه شما را بدون اجازه استفاده کردیم. ثانیاً هر خسارتی که به منزل شما وارد شده باشد، ما آماده پرداخت آن هستیم... فکر میکنیم ما و من مدیون شمایم؛ چرا که بدون اجازه شما در این خانه ماندیم. این، شماره من در ایران است، امیدوارم تماس بگیرید. من آماده‌ام برای انجام هر کاری که شما بخواهید.» نوشتن چنین نامه‌ای آنهم در بحبوحه جنگ و درگیری، تنها از یک انسان با درجه بالایی از تقوا و پرهیزکاری بر می‌آید. فرمانده جنگ بودن و مسؤولیت خطیری داشتن و حواس جمع برای رعایت تمام آموزه‌های دینی و رعایت حق الناس تنها از سردار سلیمانی و افرادی همسنگ درجه ایمانی و تقوایی او بر می‌آید. مردم، چه مسلمان چه غیرمسلمان فرقی نمیکند، ناخواسته جذب چنین انسان بزرگواری با چنین اصول و معیارهای بزرگ میشود. مگر این که انسان شقی چون دونالد ترامپ جنایتکار باشد.

2-3-3. تواضع

یکی دیگر از خصلتهای پسندیده که سبب نفوذ در قلب مردم می‌شود، تواضع و فروتنی است. تواضع در لغت به معنای فروتنی و خود را

خوار کردن (تذلل) و متضاد کلمه "تکبر" است. (فراهیدی، 1409ق، ج 2، ص 95؛ ابندرید، 1988م، ج 2، ص 905، بستانی، 1375ش، ص 71)
امام علی (ع) در رابطه با تواضع و فروتنی فرمودند: «أشرف الخلائق التواضع و الحلم و لین الجانب» (تمیم‌آمدی، 1366، ص 249)؛ شریفترین اخلاق، تواضع، بردباری و نرم‌خویی است. و نیز در مصباح-الشریعه آمده است که حقیقت تواضع را تنها مقربان و واصلان به وحدانیت خداوند در مییابند. (منسوب به امام جعفر صادق (ع)، 1400ق، ص 73)

البته در تواضع نیز باید تعادل را برقرار نمود؛ نه آنقدر انسان خودش را نسبت به بقیه برتر ببیند که تکبر ورزد و نه آنقدر خود را کوچک و ناچیز نمایان کند که ذلیل و خوار گردد و دیگران به او توجهی نکنند. درست مانند سردار سلیمانی که در مقابل مردم خود و مظلومان، متواضع و فروتن بود ولی دشمن از نگاهش میترسید. یعنی در عین حال که نگاهی پر از عشق و مسؤولیت‌پذیرانه به مردم خودش و تمام مظلومان جهان داشت؛ نگاهی خشمگین و سیاستمدارانه نسبت به دشمنان و ستمگران داشت.

سردار سلیمانی مصداق بارز تواضع و فروتنی بود؛ سردار سرتیپ پاسدار محمد اسماعیل کوثری میگوید: «در سال 1369 که حضرت آقا، درجهایشان را به آنان اعطا کرد، ایشان و سردار سلیمانی و دو نفر دیگر با خون خود نوشتند که برای درجه به سپاه نیامدند؛ حضرت آقا ضمن اینکه یادآوری کردند درجه بندی برای نظم بخشیدن به سپاه است، فرمودند که اگر نمیتوانید این درجه را تحمل کنید، بروید و فکری به حال خودتان کنید، مگر اینکه سعی کنید شما سوار درجهتان شوید! از همانروز بود که حاج قاسم، همه درجهایشان را ندیده گرفت.» (ماهنامه فکه، 1398، ش 202، ص 67) این پیام کوتاه نشان دهنده میزان تواضع و فروتنی و عدم دل بستگی سردار سلیمانی به دنیا و پست و مقام دنیوی است، در صورتیکه برخی از ماها را ثروت ناچیز و یا مدرک علمی و یا پست و مقام دنیوی چنان فخور و متکبر کرده است که گویی جهان آخرت و اینکه مالک حقیقی همه اینها خداوند یگانه

است، را فراموش میکنیم؛ چقدر پسندیده است که افرادی چون سردار سلیمانی را الگوی زندگی خود قرار دهیم.

سردار سلیمانی هیچگاه با خدمات ارزنده‌ای که انجام داد به دنبال رسیدن به جایگاه خاصی نبود، چنانچه هیچ عکسی از پشت میز محل کارش نداشت. همچنین ایشان در 6 اردیبهشت 1396 در پاسخ به درخواست جوانی که او را برای کاندیداتوری ریاست جمهوری دعوت کرده بود نوشت: «الحمد لله در کشور ما آنقدر شخصیت‌های مهم و ارزشمند گمنام و بانامی وجود دارد که نیازی نیست سربازی، پست سربازی خود را رها کند.» حاج قاسم با وجود چنین درجه و پست و جایگاه اجتماعی، پیوسته خود را سرباز اسلام و کشور اسلامی می‌دانست و همیشه و در همه عرصه‌ها در کنار مردم بود. ایشان عضو هیچ جناح سیاسی نبود و عموم مردم با هر ظاهر و پوشش و هر مذهب و عقیده‌ای را دوست میداشت و احترام میگذاشت. سردار محمدرضا فلاح زاده میگوید: «در حلب، شخصاً برای تخلیه مردم از شهر کمک می‌کرد... و دائم سفارش میکرد این مردم در فصل زمستان، دارای پوشاک زمستانی و پتو و لوازم خواب راحت باشند؛ توصیه و سفارش و پیگیری جدی در خصوص تامین آب، غذا، بهداشت و درمان آنها داشت. در حلب ابوکمال و کلاً سوریه، بخشی از توان خود را برای حفاظت و اسکان و تغذیه و بهداشت و درمان مردم اختصاص داد و به گونه‌ای برخورد میکرد که انگار این مردم، پدر، مادر، برادران، خواهران و فرزندان او هستند... تا آنجا که میتوانست، حاجت مردم را روا میکرد.» همه انسانها وقتی در شرایط سختی قرار میگیرند؛ مجذوب کسی می‌شوند که در این شرایط کنارشان است و به آنان کمک میکند. مردم ستمدیده از دیگران انتظار کمک و همدلی دارند، و در این شرایط وقتی شخصی چون سردار حاج قاسم سلیمانی با آن جایگاه و مسؤولیت‌های سنگینش چنین دلسوزانه به کمکشان میرود و با تواضع و فروتنی همراه و یاورشان است، روشن است که مردم مظلوم به وجود او دلگرم میشوند و جذب منش و رفتار و کردار حاج قاسم میشوند؛ اینگونه است که حاج قاسم سلیمانی تبدیل به سردار دلها میشود.

2-3-4. پیروی از مکتب

استاد مطهری(ره) مکتب را اینگونه تعریف میکند: «مکتب، یعنی نیاز به یک تئوری کلی؛ یک طرح جامع و هماهنگ و منسجم که هدف اصلی آن، کمال انسان و تأمین سعادت همگانی است، و در آن خطوط اصلی و روشها، بایدها و نبایدها، خوبها و بدها، هدفها و وسیلهها، نیازها و دردها و درمانها، مسئولیتها و تکلیفها مشخص شده باشد و منبع الهام تکلیفها و مسئولیتها برای همه افراد بوده باشد.» (مطهری، 1377، ج 2، ص 53) هر انسان جویای حقیقت که به دنبال دین و مکتب تکامل یافته‌ای باشد، به مکتب اسلام میرسد. مکتب اسلام که بنیانگذارش، پیامبر اکرم حضرت محمد(ص) بود. اما این مکتب پس از رحلت پیامبر اکرم(ص) از بین نرفت بلکه به نسلهای بعد از او انتقال یافت همانطور که در حدیث ثقلین آمده است پیامبر اکرم(ص) در میان امت خود دو چیز گرانبها باقی گذاشت که هر کس به آن تمسک جوید، گمراه نمیشود: 1. قرآن 2- عترتشان اهل بیت(ع)؛ (کلینی، 1407ق، ج 1، ص 294) بنابراین لازم است هر فردی پس از اینکه اسلام را به عنوان دین تکامل یافته بشر شناخت و به آن ایمان آورد، از دستورات الهی که در کتاب قرآن و تعالیم معصومان(ع) آمده، پیروی کند تا به سعادت برسد. کشور ایران به عنوان کشور اسلامی به رهبری آیت الله خامنه‌ای در مسیر رسیدن به سعادت از آموزه‌های اسلامی پیروی میکند و سردار حاج قاسم سلیمانی به عنوان شخصی که تربیت شده این مکتب و نظام است، ادامه دهنده مسیر اهل بیت(ع) در این مکتب بود که با شهادتش حجت را تمام کرد و به همه مردم به خصوص جوانان درس بندگی خداوند، ایمان، اخلاص، تقوا، تواضع، آزادگی و... داد. او به همه نشان داد که حتی با وجود همه مشکلات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و... باز هم میتوان شریف و آزاده زندگی کرد و شرایط سخت را برای توجیه گناهانشان بهانه نکرد. آقای ابراهیم شهریاری، فرمانده گردان در لشکر ثارالله(ع) در دوران جنگ هشت ساله، میگوید: «به کاخ کرملین رفته بود و با پوتین قرار داشت، تا رئیس جمهور روسیه برسد، وقت اذان شد حاجی بلند شد اذان و اقامه‌اش را گفت صدایش در سالن پیچید، بعد به نماز ایستاد، همه نگاهش میکردند، میگفت در طول عمرش چنین لذتی از نماز نبرده. پایان نماز، پیشانی را روی مهر

گذاشت و به خدای خود گفت: خدایا، این بود کرامت تو. یک روزی در کاخ کرملین برای نابودی اسلام نقشه میکشیدند؛ حالا من قاسم سلیمانی آمدم اینجا نماز خواندم.» (گرچی، 1399ش، ص 199) در اینجا میتوان نمونه شخصی که چنین به مکتب اسلامی پایدار است را مشاهده نمود که بهانههایی از قبیل موقعیت مناسبی نیست و ممکن است رئیس جمهور روسیه از راه برسد و عدم حضور من بیا احترامی به او تلقی شود و یا اینکه نماز خواندن در این موقعیت ممکن است نشان-دهنده ریا و خودنمایی باشد را نیارود و به دستورات مکتب اسلامی عمل کرد که شایسته توجه و سرمشق قرار دادن است.

همچنین امام خامنهای در پیام تسلیت به مناسبت شهادت سردار سلیمانی، در 13 دی 1398 فرمودند: «او نمونه برجستهای از تربیت یافتگان اسلام و مکتب امام خمینی (ره) بود.» این بیان رهبر انقلاب اسلامی مظهر تأیید بر نمونه و الگو بودن شهید سلیمانی در همه عرصهها به خصوص پاسداری از مکتب اسلام است. چنین الگوهای برای همه کسانی که در مسیر شناخت حقیقت هستند - به خصوص نوجوانان و جوانان که در ابتدای راهاند - یک چراغ و دفترچه راهنما محسوب می-شوند؛ در واقع با پیشرفت علم و دانش و علمجویی، دیگر مردم به ویژه جوانان، به حرف و شعار و وعده دلخوش نمیکنند و باور ندارند؛ بلکه همه آنها را در عمل شخص میسنجند، امروزه پیدا کردن الگوها و نمونههایی که چنین پایبند به مکتب اسلامی باشند حقیقتاً کم است؛ که با وجود افرادی چون سردار سلیمانی و امثال او، دیگر دغدغه معرفی الگو و معیاری که هم مسلمان و خداپرست و با تقوا ... باشد و هم مردمی و به روز باشد، که بتوان به عنوان قهرمان و اسطوره از آن نام برد، را نداریم.

2-3-5. خدمت به مردم

خدمت به مردم شیوه و سلوک پیامبر اکرم(ص) و اهل بیت ایشان(ع) است چنان چه پیامبر خدا(ص) فرمود: «الخلق عيال الله فأحبّ الخلق على الله من أدخل على اهل البيت مؤمن سروراً» (منسوب به امام رضا(ع)، 1406ق، ص369؛ کلینی، 1407ق، ج2، ص164)؛ مردم عائله و جیره‌خواران خداوندند محبوبترین مخلوقات نزد خداوند کسی است که سودش به عائله خدا برسد و خانواده‌های را خوشحال کند. همچنین رسول خدا(ص) ابوضمضم را که شخصی از امت-های گذشته بود، در بین مردم به نیکویی یاد کرد؛ زیرا که او هر روز صبح به خداوند میگفت: پروردگارا من آبرو و عنوان خود را برای خدمت به مردم و بندگان تو وقف کردم.(منسوب به جعفر بن محمد (ع)، 1400ق، ص159)

خدمت و کمک کردن به مردم، تنها از آن دسته از افرادی بر می‌آید که عشق و علاقه به مردم در دلشان وجود داشته باشد و نیتشان از کمک و خدمت، تنها رضای خدا و خشنودی او باشد و نه تعریف و تمجید دیگران و جذب دنبال کننده در فضای مجازی، چنانچه بسیار مشاهده میکنیم برخی با کمک کردن به دیگران و به اشتراک گذاشتن تصاویرشان سعی در جذب دنبال کننده و منافع مادی که برای آنان به دنبال دارد - از طریق تبلیغات و... - دارند. البته منظور، افرادی که به قصد زنده نگه داشتن سنت نیکوکاری و ترغیب دیگران به کمک و خدمت، صفحه‌هایی را در فضای مجازی راهاندازی کردند، نیست.

حاج قاسم سلیمانی از آن دسته افرادی بود که در عرصه خدمت به مردم همیشه در صف مقدم بود و از هیچگونه کمک و خدمتی دریغ نمی‌کرد. خدمت‌های سردار سلیمانی را میتوان در زمینهای مختلف بررسی نمود از جمله: همدردی با مردم، عمل به گفته‌هایش، کمک به رزمنده‌ها، ابراز علاقه به مردم، حمایت از آزادی خواهان، که در ذیل برای هر کدام نمونه‌های آورده میشود. لازم به ذکر است که موارد دیگری هم می‌توان نام برد که در مجال این مقاله نمیگنجد.

2-3-5-1. همدردی با مردم

سردار سلیمانی در 26 اسفند 1395 در نامه‌های به فاطمه، دختر شهید حاج مهدی مغفوری، نوشته است: «دخترم، خلوت با خداوند سبحان، مهمترین داروی آرامبخش تو است؛ همانگونه که پدر بزرگوارت، با همین صفات ارزنده، خود را مقرب او نمود و همچون شمعی امروز مزار شهید را منور نموده، و مردم پروانهوار دور مزار او میچرخند و از قبر مطهر او حاجت میگیرند. دخترم، عزت ماندگار همین است، دخترم، تجربه پدرت، موفقترین تجربه‌های است که عزت دو دنیا را به دنبال داشته است.» او با ملاقات کردن با فرزندان شهید و نامه نوشتن برای آنان و پیگیر حالشان بودن و همدردی کردن سعی مینمود. از غم و ناراحتی که دارند، بکاهد و تسکینی برای دردهایشان شود. همدردی سردار سلیمانی اختصاص به فرزندان شهید نداشت چنانچه حضور ایشان در بین مردم جنگزده و زلزلهزده و همدردی با مردم به خصوص کودکان گواه این بیان است و قابل انکار نیست.

2-3-5-2. عمل به گفته‌ها

سردار محمدرضا فلاحزاده میگوید: «روزی از کرمان برگشته بود، خیلی خسته بود؛ گفت انگار از زیر غلتک خارج شدم، سؤال شد چرا؟ گفت: از بس مراجعه کننده داشتم. این مردم چشمشان به کمک امثال ماست. من هم تا جایی بتوانم کمک میکنم.» شهید سلیمانی از آن دسته افرادی نبود که قول مساعدت دهد و در عمل کاری نکند بلکه تا آخرین لحظه پای حرفی که میزد، استقامت میکرد و همواره در خدمت به مردم میکوشید.

2-3-5-3. کمک به رزمنده‌ها

آقای جواد رزم حسینی میگوید: «در نجفآباد، جانباز بالای 70 درصد و قطع نخاعی زندگی میکرد. سردار سلیمانی نذر کرده بود سالی یک بار، یک روز کامل در خدمت این شخص باشد و کارهایش را انجام دهد. در آن روز، وی لباسهای این جانباز را میشست، حمامش میکرد و همه کارهای شخصی وی را مانند پرستار انجام میداد.»

امام صادق(ع) فرمودند: «ما قضی مسلمٌ لمسلمٍ حاجةٌ إلا ناداهُ الله تبارک و تعالی علیّ ثوابک و لا أرضی لک بدون الجنة» (کلینی، 1407ق، ج2، ص194)؛ هر مسلمانی که حاجت مسلمان دیگر را برآورد

خداوند متعال به او ندا میدهد که ثواب تو با من است و به کمتر از بهشت برای تو راضی نمیشوم. به راستی که بهشت پاداش افرادی چون سردار حاج قاسم سلیمانی است که با وجود آن همه مسؤولیتهای سنگین و فراز و نشیبهای زندگی این چنین به برادر رزمنده خود خدمت میکند و به سنت نیکوی پیامبر(ص) پایبند است.

2-3-5-4. ابراز علاقه به مردم

سردار سلیمانی در یک سخنرانی گفته است: «خواهران ما، برادران ما، عزیزان ما، این ملتی که امام، زیباترین جمله را، عاطفیتترین جمله را، روحانیتترین جمله را پیرامون آنها بیان کرد؛ در وصیت نامه خودشان نوشتند: ملت ایران که جانم فدای آنها باد! ملتی که مستحق جانی همچون جان امام است، جان من، جان حسین بادیا، جان جمالی، جان الله دادی و جان همه شهیدان ما، ارزش دادن و فدا شدن در راه این ملت را دارد. این ملتی که شریف است، عزیز است، فداکار است، باوفا است، باحکمت است و عزتمند است، امروزه سرلوحه و تجربه موفق همه ملتهاست.» (ماهنامه فکه، 1398، ش 202، ص 34)

«وَقَالَ الْإِمَامُ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: اعْرِفِ الْمَوَدَّةَ لَكَ فِي قَلْبِ أَخِيكَ يَمَا لَهُ فِي قَلْبِكَ» (اربلی، 1381ق، ج 2، ص 119)؛ محبت قلبی برادرت را نسبت به خودت، از محبتی که در قلبت نسبت به او داری، بشناس. با توجه به این حدیث، میتوان گفت به همان اندازه که سردار سلیمانی عاشقانه مردم را دوست داشت و محبت میکرد، مردم نیز به او دل بسته بودند و به وجودش افتخار میکردند چنان که جمعیت عظیمی را در تشییع جنازه او مشاهده شد، نشان از علاقه مردم به سردار سلیمانی یا همان "سردار دلها" است.

2-3-5-5. حمایت از آزادی خواهان

سردار حسین نجات در 26 بهمن 1398 گفته است: «حمایتهای مستشاری حاج قاسم سلیمانی از دولتها و مردمی که در صدد استقلال و مبارزه با استعمار هستند، باعث شد حاج قاسم در بین مردم محبوب شود؛ چون مردم، کشتار کودکان بیگناه را در سوریه و عراق و یمن دیده بودند و همین کافی بود تا مردم از فردی را که انتقام این کودکان بیگناه را از داعش و آمریکا گرفت، دوست داشته باشند.» مهر و

عظوفت و خدمت سردار سلیمانی اختصاص به مردم کشور خودش نداشت بلکه در هر جایی از دنیا که ندای شخص آزادیخواه و مظلوم را میشنید به کمک او میرفت و این نشاندهنده انسان دوستی شهید سلیمانی است که محدود به مرز و خطوطی که کشورها تعیین کردند، نیست. رسول خدا(ص) در این رابطه فرموده‌اند: «دخل عبد الجنة بغصن من شوكي كان على الطريق المسلمين فأماطه عنه» (ابن‌ابویه، 1362 ش، ج 1، ص 32؛ قمی، 1414 ق، ج 5، ص 291-292)؛ بندهای از بندگان خدا در اثر اینکه شاخه خاری از سر راه مسلمانی برداشت اهل بهشت شد. و حال پاداش افرادی چون سردار سلیمانی و هم‌زمانش چه چیزی میتواند بالاتر از بهشت باشد جز رضا و خشنودی خداوند؟!

2-3-6. دفاع از مظلوم و دشمنی با ظالم

در رابطه با دفاع از مظلوم در مقابل ظالم آیات و روایات فراوانی وجود دارد که نشاندهنده تأکید اسلام در این رابطه است. خداوند در سوره هود آیه 113 میفرماید: «وَلَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمْ النَّارُ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ»؛ "و به ستمگران تمایل و تکیه نکنید که آتش (عذاب) شما را فرا می‌گیرد و (در این صورت) برای شما در برابر خداوند، هیچ دوست و سرپرستی نیست، پس (از هیچ ناحیه‌ای) مورد کمک قرار نخواهید گرفت." آیه، تأکید دارد بر پشت کردن به ستم و ستمکار و عاقبت بدی که در انتظار کسانی است که به ظلم و ظالمان روی آوردند. همچنین خداوند باری و تعالی در سوره حجرات آیه 9 تأکید میکند: «وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتُلُوا قَاصِلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَعَثَ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ فَإِنْ فَاءَتْ قَاصِلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» "و اگر دو گروه از مؤمنان به نزاع و جنگ پرداختند، پس میان آنان صلح و آشتی برقرار کنید. سپس اگر یکی از دو گروه بر دیگری تجاوز کرد، با متجاوز بجنگید تا به فرمان خداوند بازگردد. پس اگر متجاوز بازگشت (و دست از تجاوز برداشت)، میان آن دو گروه به عدالت صلح برقرار کنید و عدالت ورزید که خداوند عدالت‌پیشگان را دوست دارد." خداوند حکم صریح و واضح خود را در رابطه با رویارویی با دو گروه ظالم و مظلوم در این آیه بیان داشته است و معصومان(ع)

به عنوان مجری احکام و قوانین و دستورات الهی بر روی زمین و در بین مردم، میبایست طبق فرمان خداوند عمل کنند. چنانچه امام علی(ع) در این رابطه میفرمایند: «حق خدا و حق مردم را از خود و وابستگان(سببی و نسبی) خود و افراد محبوب و مورد علاقه خویش باز ستان؛ زیرا اگر چنین نکنی دستت به ظلم آلوده خواهد شد و کسی که به بندگان خدا ظلم کند خداوند دشمن او خواهد بود.(نهج البلاغه، نامه 53) همچنین در قسمت دیگر نهج البلاغه فرموده‌اند: «خدا را سوگند که آن چنان داد مظلوم از ظالم بستانم و بر ستمگر تنگ بگیرم تا در مسیر حق قرار گیرد و آن را بپذیرد، اگر چه ناخشنود باشد.»(نهج البلاغه، خطبه 136)

سردار حاج قاسم سلیمانی به عنوان پیرو مکتب حق علیه باطل(اسلام) همواره سعی میکرد تا از حق مظلومان دفاع کند و در مقابل ظالمان و ستمگران بایستد. ایشان طبق گفته مولای خود امام علی(ع) مراقبت از حق مردم را از خود و خانواده خود شروع میکرد؛ به گونهای که دخترشان خانم فاطمه سلیمانی تعریف میکرد زمانی که بچه بود و به دفتر کار پدرش میرفت و از یخچال آب میوه و شکلات و آب معدنی استفاده میکرد، پدرش بعد از اینکه جلسهایش تمام میشد، هر چیزی را که خورده بود از او میپرسید و روی برگهای مینوشت و به حسابداری تحویل میداد.

سردار سلیمانی در 7 آذر 1397 در دانشگاه شهید باهنر کرمان از مشخصه‌های اسلام ناب چنین میگوید: «مشخصه‌های مهم اسلام ناب در نظریه رهبری، ظلم ستیزی، عدالتخواهی، دفاع از مظلومان، امیدبخشی و از بین بردن ترس و جهل از جامعه است.» ایشان نیز به عنوان سرباز دین اسلام و رهبر انقلاب اسلامی، همواره از مظلومان دفاع مینمود و در این راه از هیچ چیزی باک نداشت.

برخی معتقدند که به جای اینکه وقت و سرمایه را صرف حمایت از مظلومان و ستم دیده‌های کشورهای دیگر کرد، به آبادانی کشور خود و مردم خود رسیدگی شود و آن کشورها و مردم ستم دیده نیز میتوانند مهاجرت کنند و خود را از وضعیت بدی که در آن قرار دارند نجات دهند، در صورتیکه مسلمانانی که تحت سیطره حاکمان جور هستند، اگر چه

قدرت مهاجرت هم داشته باشند، ولی مهاجرت نکنند، در صورت طلب یاری، بر همهٔ مسلمانان لازم است که به آنها پاسخ دهند. (مکارم شیرازی، 1359، ج 7، ص 257) شیخ خالد الملا، روحانی برجستهٔ اهل سنت عراق میگوید: «حاج قاسم سلیمانی، کشورش را ترک کرده و در شنزارها و صحراها مشغول مشورتدهی به عراقیها در نبرد با تروریسم شده و روی خاک صحراها استراحت میکند. او مرد بسیار بزرگی است که با هدف حمایت از اسلام و مسلمانان به عراق آمده و به سوریه هم می‌رود.» سردار سلیمانی آدم بهانه آوردن و ندیدن دادِ مظلوم نبود، در واقع هر جایی که وجودش مثمرتر بود آنجا حضور داشت و کمک می‌کرد.

سردار سلیمانی با از بین بردن گروهک داعش و اعلام پایان سيطرةٔ آن، محبوبیتش در بین عموم مردم جهان دو چندان شد. امام خامنه‌ای در 30 آبان 1396 به سردار سلیمانی نوشتند: «این تنها ضربه به گروه ستمگر و روسیاه داعش نبود؛ ضربهٔ سخت‌تر به سیاست خبائت آلودهای بود که ایجاد جنگ داخلی در منطقه و نابودی مقاومت ضدصهیونیستی و تضعیف دولتهای مستقل را به وسیلهٔ رؤسای شقی این گروه گمراه هدف گرفته بود؛ ضربهای بود به دولتهای قبلی و کنونی آمریکا و رژیمهای وابستهٔ آن در این منطقه... این نصرت الهی... به خاطر مجاهدت شبانه روزی شما و هم‌زمانتان، به شما پاداش داده شد.» مردم، رشادتها و شجاعتها و فداکاریهای شهید سلیمانی را می‌دیدند که چگونه بدون هیچ چشمداشتی پا در عرصه جنگ با ظالم می‌گذارند؛ همچنین لبخند خشنودی و رضایت و دلگرمی مظلومان به سردار سلیمانی را مشاهده می‌کردند و مجموعهٔ این فضایل، سردار سلیمانی را تبدیل به قهرمان و سردار دلها برای مردم ایران و جهان به خصوص جوانان حق‌جویش کرد.

همینطور است که حجهالاسلام عاملی، دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی، در پیامش به مناسبت شهادت سردار سلیمانی آورده است: «سردار سلیمانی یکی از محبوبترین چهره‌های انقلاب اسلامی بود که هرگز فکری جز حرکت برای عزت اسلام و مسلمین و مظلومین جهان در سر نداشت و نماد مبارزه با نظام سلطه و ظلم

جهانی بود که زندگی را در مسیر مبارزه با ظالمان و دفاع از مظلومان اختصاص داده بود و الحق مصداق تمام عیار پیروزی از اسلام ناب محمدی بود.» (iqna.ir) شهید سلیمانی در طول عمر خود به گونهای زندگی کرد که اغلب مردم به خصوص اطرافیان آن بزرگوار شیفتهٔ مرام و مسلک و مکتب و مذهب او شدند و شاید معدود افرادی پیدا شوند (افرادی که در جبههٔ باطل قرار دارند) که بغض و کینه این شهید بزرگوار را در دل داشته باشند.

4. محبوبیت جهانی سردار سلیمانی

پس از شهادت سردار سلیمانی در رسانهها مشاهده میشد که غربیها با داشتن عکس سردار سلیمانی و نوشتههایی به نشانه اعتراض به دولت مردان شقی چون ترامپ به خیابانها رفتند، و ضمن قهرمان نامیدن سردار سلیمانی، ترامپ و همراهانش را مورد مذمت قرار میدادند. این مردم اگر چه تعداد زیادی از آنان مسلمان نبودند و یا بلکه اعتقاد مذهبی نداشتند، اما سردار سلیمانی را میستودند و برای او احترام قائل بودند و او را قهرمان مینامیدند. زیرا همه انسانها (به جز انسانهای شقی و حقیر و پست که از واژه انسانیت به دور شدهاند و فقط نما و ظاهر انسانی دارند) دارای وجداناند و ذاتاً جذب خوبی و مهربانی و خوش اخلاقی و صفات پسندیده میشوند و این ایرانی و غیر ایرانی، مذهبی و غیر مذهبی را بر نمیتابد؛ بنابراین همه انسانهای حقجو در هر جا و مکانی با هر گرایش و مذهب و تفکری، وقتی خصلتهای نیک و پسندیده سردار سلیمانی را مشاهده میکند و خبرهای پیروزی ایشان را در جنگهای مختلف در جبهه حق علیه باطل میشوند (نجات مردم مظلوم و ستمدیده را میبیند) ناخواسته جذب مرام و راه و روش سردار سلیمانی میشود، و این در تاریخ چیز عجیبی نیست و موارد این چنینی فراوان وجود دارد مانند جورج جرداق که یک مسیحی کاتولیکی بود با این حال نهجالبلاغه امام علی(ع) را تقریباً 200 بار خواند و در این باره میگوید: ایام نوجوانی به سراغ شخصیت علی بن ابی طالب(ع) و مطالعه درباره زندگانی او رفتم و تمام خوبیها را در امام علی(ع) یافتم. امام(ع) نمونه کامل یک انسان است. هر روز دستکم یک ساعت درباره او مطالعه میکردم. گاه با خود میگفتم شخصی با این کمال، صاحب چه مکتب و چه فکری است؟ پس از پنج سال مطالعه، مکتب شیعه را مهمترین مکتب دانستم... این مذهب بهترین مذهب است، چرا که برای تمامی امور پاسخ دارد... من پس از سالها تحقیق، شیعه را یک کلمه یافتم و آن هم اخلاق بود. من شیعه هستم، چرا که اخلاق پسندیده دارم. («کاش شیعه احساس خطر کند»، در: etedal.ir) همانطور که گفته شد، هر شخصی که روحیه حقیقت طلبی دارد و اهل عناد و سرکشی نیست و تعصب غلط و اشتباهی نداشته باشد، فارغ از

هر مذهب و اندیشه‌ای، زمانی که حق را یافت، در مقابل آن سر تسلیم
فروود می‌آورد.

5. نتیجه

سردار سلیمانی ارائه دهندهٔ مکتب جدیدی نیست؛ بلکه پیرو مکتب اسلام است و در عصر حاضر به آن جلای تازه بخشید. همهٔ انسانهای حقیقت‌طلب جذب صفات پسندیدهٔ میشوند و ایرانی و غیرایرانی و مذهبی و غیرمذهبی برنمی‌تابد. سردار سلیمانی جامع صفات نیکو و مقبول بود و مردم جذب همین اخلاق و کردار پسندیدهٔ او میشدند. زیرا سردار سلیمانی کمتر حرف میزد و بیشتر عمل میکرد. تمام اعمال شهید سلیمانی جهت کسب رضای خداوند بود و نه تمجید و ریا و خوشآمد مردم. علاقهٔ سردار سلیمانی به مردم و علاقهٔ مردم به سردار سلیمانی یک احساس دو طرفه بود. سردار سلیمانی را میتوان به عنوان یک الگو و معیار و قهرمان عصر حاضر معرفی کرد و نوع و روش ایشان را در عرصههای مختلف زندگی سرمشق قرار داد. عموم مردم سردار سلیمانی را دوست دارند؛ حتی کسانی که شهید سلیمانی را دوست ندارند، او را فردی عاقل و با سیاست میدانند. توطئه و دشمنی و نقشه‌های شوم دشمن نمیتواند از ارزشها و محبوبیت و معروفیت شخصی که همواره با خداست و در مسیر الهی قدم برمی‌دارد، ذره‌ای کم کند.

6. فهرست منابع و مآخذ

1. قرآن کریم، مترجم حسین انصاریان، (1393ش)؛ تهران: سازمان دارالقرآن کریم؛ نشر تلاوت.
2. نهج البلاغه، شریف رضی، (1383). مترجم: محمد دشتی، قم: سبب النبى
3. ابن بابویه، محمد بن علی، (1362). الخصال. محقق: غفاری، علی اکبر. قم: جامعه مدرسین
4. ابن درید، محمد بن حسن، (1988م). جمهره اللغة. بیروت: دارالعلم للملایین
5. ابن منظور، محمد بن مکرم، (1414ق). لسان العرب. بیروت: دار صادر. چ3.
6. اربلی، علی بن عیسی، (1381ق). کشف الغمه فی المعرفه الأئمه (ط-القدیمه). محقق: رسولی محلاتی، سید هاشم. تبریز: هاشمی
7. ازهری، محمد بن احمد، (1421ق). تذهیب اللغة. بیروت: دار احیاء التراث العربی
8. بستانی، فواد افرام، (1375). فرهنگ ابجدی، تهران: اسلامی. چ2.
9. پاینده، ابوالقاسم، (1382). نهج الفصاحه. تهران: دنیای دانش. چ4.
10. تمیمی آمدی، عبدالواحد، (1410ق). غررالحکم و دررالکلم. محقق: رجائی، سید مهدی. قم: دارالکتاب الإسلامی. چ2.
11. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (1412ق). مفردات الفاظ القرآن. بیروت: دارالقلم.
12. طباطبایی، محمدحسین، (1390ق). المیزان فی تفسیر قرآن. بیروت: مؤسسه الأعلمی، چ2.
13. طریحی، فخرالدین بن محمد، (1375). مجمع البحرین. محقق: حسینی اشکوری، احمد. تهران: مرتضوی. چ3.
14. عجم، رفیق، (1999ق). موسوعه مصطلحات التصوف الاسلامی. بیروت: مکتبه لبنان ناشرون.
15. فراهیدی، خلیل بن احمد، (1409ق). کتاب العین. قم: نشر هجرت.
16. قرشی، علی اکبر، (1371). قاموس قرآن. تهران: دارالکتب الاسلامیه. چ6.
17. قمی، عباس، (1414ق). سفینه البحار. قم: اسوه.

18. کلینی، محمد بن یعقوب، (1407ق). *الکافی*. محقق: غفاری، علی اکبر و محمد آخوندی. تهران: دارالکتب الإسلامیه. ج4.
19. گرجی، علی، (1399ش). *در مکتب حاج قاسم*. شهرکرد: سدره المنتهی.
20. ماهنامه فکه، (1398). - "ویژه نامه سید الشهدای مقاومت و هم-برزمانش"، شماره 202، گفتگو با سردار محمد اسماعیل کوثری.
21. مطهری، مرتضی، (1377). - *مجموعه آثار شهید مطهری*. تهران: صدرا.
22. مکارم شیرازی، ناصر، (1359). - *تفسیر نمونه*. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
23. منسوب به امام جعفر صادق (ع)، (1400ق). *مصباح الشریعه*. بیروت: مؤسسه الاعلمی.
24. منسوب به امام رضا (ع)، (1406ق). *الفقه المنسوب الی الامام الرضا (ع)*. محقق/مصحح: مؤسسه آل البيت علیهم السلام. مشهد: آل البيت علیهم السلام
25. مهنا، عبدالله علی، (1413ق). *لسان اللسان: تهذیب لسان عرب*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
26. نوری، حسین، (1408ق). *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*. قم: مؤسسه آل البيت (ع).
27. دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای: Khamenei.ir

28. www.mashregnews.ir
29. <http://mobyar.ir>
30. <http://shabestan.ir>
31. <http://www.isna.ir>
32. <https://khabarban.com>
33. <http://kerman.navideshahed.com>
34. <http://www.farsnews.ir>
35. <http://www.barkhat.news>
36. <http://navideshahed.com>
37. <http://etemadonline.com>
38. <http://www.tasnimnews.com>
39. <http://sccr.ir>

40. etedal.ir/tnews.ir/news/244911136058.html

41.41. <http://iqna.ir>